قربان خاکپای جواهر آسای مبارکت شوم (پیر غلام خانه زاد حسینقلی بختیاری)

در شماره ششم ماهنامه وحید متن سندی که توسط مرحوم حسینقلی خان ایلخانی‏ بختیاری نوشته شده و بخط ناصر الدینشاه نیز دستوراتی در حاشیه آن داده شده بود گراور کردیم.چون سند مورد بحث ناخوانا بود لذا جمعی از خوانندگان ماهنامه‏ اظهار علاقه کرده بودند که متن سند با حروف مطبعه مجددا چاپ شود.

استاد جمالزاده در اینباره نوشته بودند:«مقاله(اسناد تاریخی)در صفحه 71 از شماره ششم بسیار خوبست.افسوس که قرائت سند بصورتی که چاپ شده است‏ کار حضرت فیل است و من از خواندن آن صرفنظر کردم.(لابد در نتیجه بی‏حوصلگی‏ و البته دیگران حوصله کافی داشته‏اند)البته صد البته مقتضی و لازمست که متن را در شمارهء آینده با حروف مطبعه چاپ کنید که طالبین بتوانند بخوانند».علیهذا باحترام خواسته خوانندگان سند تاریخی شماره گذشته را چاپ مینمائیم و یادآور میشویم که تاریخ کشته شدن مرحوم حسینقلی خان بختیاری 27 رجب 1299 قمری بوده است.

قربان خاکپای جواهرآسای مبارکت شوم‏ پیر غلام خانه‏زاد حسینقلی بختیاری

اولا خداوند جان این پیر غلام خانه‏زاد را بقربان خاک آستانت نماید.ثانی نجفقلی خان‏ مهاجر مامور تفرقه قشقائی وارد شد دست خط مبارک قبله عالم روح العالمین فدا را زیارت نمودم بخصوص‏ تفرقه آنچه حکم فرموده‏اند از جان دل اطاعت خواهم نمود لکن قبله عالم را قسم میدهم بسر مبارک‏ مرتضی علی علیه السلام بعرض خانه‏زاد رسیدگی بفرمایند سی سال است شب و روز خدمت و جانفشانی‏ میکنم بختیاری را با آن شرارت مثل رعیت لنجان نموده‏ام سی سال مالیات از بختیاری گرفته داده‏ام‏ مفاصا حساب در دست سی و یک قران باقی ندارم.سالی شش ماه در سرحد اصفهان می‏آیم مشغول نظم‏ بختیاری وصول مالیات آنها هستم.ششماه دیگر را در عربستان لرستان در رکاب حکومت خدمت‏ میکنم با سوار تفنگچی در هوای گرم عربستان از خود زحمت و ضرر را متحمل میشوم البته بقدر پانصد نفر اشرار اعراب بدست بختیاری بقتل رسیده صد نفر بختیاری در جنگ اعراب کشته شده است اگر بخواهم تفصیل بدهم جسارت است ثمر عمر خانه‏زاد دو پسر است اسفندیار علیقلی هردو در تهران در رکاب مبارک جان‏فشانی میکنند با وجود اینهمه خدمت خدا را خوش نمیآید که شب و روز از بی التفاتی‏ سرکار نواب اشرف والا معتمد الدوله آرام نداشته باشم همه وقت در مرارت باشم قشقائی در فارس خانه‏زاد در عربستان یکماه راه میفرمایند فلانی آنها را تحریک کرده است کدخدایان قشقائی از فارس راه‏ یزد خراسان میآیند طهران عارض میشوند فرمان همایون بآنها مرحمت بشود بروند عربستان برده‏ سرکار نواب اشرف والا حشمت الدوله باشند خانه‏زاد چه تقصیر دارم که باید مقصر باشم خدا کرم خان‏ بویر احمدی در بهبهان در حکومت حضرت والا ظل السلطان روحیفدا با محمد حسیخان پسرش نزاع میکند سال بعد سرکار نواب اشرف والا حسام السلطنه حاکم میشود محمد حسینخان رفت شیراز خدمت‏ کرد مالیات داد بعد جناب معتمد الملک حاکم شد محمد حسینخان خدمت کرد بعد از چهار سال سرکار معتمد الدوله حاکم شده است میفرمایند حسینقلی از عربستان تحریک کرده است این نزاع شده است‏ البته پارسال تا حال ده هزار تومان خرابی برعیت جانکی فلارد رسانیده‏اند پارسال اسکندر خان به‏ ملک مهاجر آمد دید بخانه‏زاد چه رجوعی دارد که سرکار معتمد الدوله خانه‏زاد را صدمه میزنند مقصر میفرمایند خانه‏زاد نوکری هستم چگونه میتوانم مقابل آقای خود سئوال جواب نمایم پس خدا نکرده اگر حضرت ظل السلطان روحیفدا بی التفات بشوند چه خاک بسر بکنم از آنطر ف چقدر باید ملاحظه بکنم سرکار نواب اشرف والا حشمت الدوله بی التفات نشوند اسباب بدنامی خانه‏زاد را فراهم‏ نیاورد قبله عالم تصدیق بفرمایند پیر شده‏ام سی سال خدمت کرده‏ام دیگر قوه اینگونه صدمات را ندارم‏ عمر خانه‏زاد هم بآخر رسیده است قبله عالم را قسم میدهم بخالق عالم و بفرق شکافته امیر المؤمنین علیه السلام‏ خانه‏زاد را آزاد بفرمایند مرخص نجف اشرف بشوم اگر چهار روزی از عمر خانه‏زاد باقی باشد شب و روز قبله عالم را دعا میکنم الحمد اله برادر هست اولاد هست همگی قابل و تربیت شده این دولت ابد مدت‏ میباشند خدمت می‏کنند جانفشانی می‏کنند بحضرت اشرف سپهسالار اعظم عریضه عرض نمودم بخصوص‏ مرخص نجف اشرف مرخص نفرمودند لابد اینکه اینگونه جسارت نمودم قوه ریاست و خدمت را دیگر ندارم‏ پیر شده‏ام تصدیق بفرمایند در نجف اشرف دعاگو باشم حکم حکم قبله عالم است.

ناصر الدینشاه بخط خود در حاشیه نامه نوشته است:

ایلخانی عریضه‏ات را ملاحظه فرمودیم حقیقة از نظم عمل و خدمات شما بسیار راضی هستم‏ همینطور است که عرض کرده است در این سنوات کمال خدمت را کرده است و انشاء اله باز هم باید بکند در حقیقت حالا اول خدمت شماست نه گوشه‏گیری و مجاورت در خاک خارج.

در فقره قشقائیها و عرایض معتمد الدوله آنچه جناب سپهسالار اعظم با تو حرف زد با تلگراف‏ بفرست البته همانطور معمول بدارند در حقیقت هر قسم خدمت بتو رجوع شود باید فورا انجام برسانم. معتمد الدوله هم شخصا بعد از این.از خدمات شما عرض خواهد کرد و راضی خواهد شد از التفات ما نسبت‏ بخود و اولاد خود خاطر جمع باشد و هرگز خیال استعفا در خدمت نکند.شاه

غزل‏]

حیدری(سالار سعید سنندجی)

با ما صنما این ستم و جور روا نیست‏ با اهل وفا جور و جفا شرط وفا نیست‏ جز چشم سیاه تو و بالای بلندت‏ امروز درین مملکت آشوب و بلا نیست‏ هر جا که توئی جنت و فردوس برین است‏ بی‏روی تو در باغ جنان روح و صفا نیست‏ درد دل مهجور چه گویم به طبیبان‏ دانم که بجز وصل تواش هیچ دوا نیست‏ نازم بسر کوی نگاری که در آنجا فرق ز فقیر و غتنی و شاه و گدا نیست

با اینهمه جور تو دمی حیدری ایدوست‏ غافل ز دعای تو و از حمد و ثنا نیست